

سخن ماه



گفتاری درباره:

موانع و راهکارهای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

از: دکتر امیر هوشنگ امینی

پیش از ورود به اصل این گفتار که در واقع تکرار برشماری برخی موانع و الزامات اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد که بندهای "الف" و "ب" آن در تیرماه سال گذشته ابلاغ شد و لغو انحصارت دولتی به استثنای استخراج نفت و گاز و فعالیت‌های تلویزیونی را در برداشت از یک سو، منع دولت از سرمایه‌گذاری، خارج از موارد مندرج در صدر اصل ۴۴ و مکلف شدن به واگذاری کلیه تصدیگری‌هایی خارج از موارد صدر اصل ۴۴ به بخش‌های غیر دولتی طی حداکثر پنج سال یعنی تا پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از سوی دیگر، ناگفته پیداست بند "ج" سیاست‌های کلی مورد اشاره که حکم بر واگذاری کلیه تصدیگری‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی دارد و در گفتارهای پیشین خود به آن پرداختیم، در این گفتار مورد گفتگو نخواهد بود.

اما در اینجا لازم می‌دانم یادآور شوم از

آنجا تا کنون و دست کم تا پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی هرگاه سخن از مسایل و مشکلات فرا راه توسعه اقتصادی کشور، بویژه سرمایه‌گذاری و تولید به میان می‌آمد همه و همه جا، به درستی با تکیه بر احکام علمی و تجربه اقتصادی کشورهای پیش از این دارای نظام اقتصادی متمرکز دولتی از جمله کشور همسایه شمالی و حتی کشور خودمان، طی ۲۷ سال گذشته با وجود تاکید برنامه‌های توسعه اقتصادی پنج‌ساله کشور و سیاست‌های اقتصادی سالانه دولت‌ها مبنی بر ضرورت واگذاری کار مردم به مردم و به عبارتی، ضرورت خصوصی‌سازی و پیروی از اقتصاد آزاد اقتصاد متمرکز دولتی بسته و اصلاح ناپذیری که بر کلیه روابط اقتصادی جامعه حاکم شده بود و مالکیت و تصدی بیش از ۸۰ درصد اقتصاد کشور را به دولت سپرده بود، همچنان ادامه یافت و بخش خصوصی و مردم و به بیان روشن تر

بخش کارآفرین کشور به گونه زائده ای ناچیز برخورد شد تا آنکه سرانجام منجر به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شد و بدینسان انحصارات دولتی که ناگفته پیداست همواره بعنوان مانع و مشکل اساسی و پایه‌ای و گر نه همه، اما بیشتر نابسامانی‌های اقتصادی کشور از آن یاد می‌شود، لغو شد؛ اصلی که مالکیت و تصدی اقتصاد کشور را در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی به نحوی تقسیم کرده بود که با به انحصار درآمدن حدود ۸۰ درصد مالکیت و تصدیگری‌های اقتصادی توسط دولت راه ورود بخش خصوصی و به عبارت دیگر، کارآفرینان کشور که منبع اصلی سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید می‌باشند و به طور کلی، همه مردم را که بر این باور درست و سنجیده بوده و می‌باشند که: به مصداق "از تو حرکت از خدا برکت" برای سرمایه‌گذاری و تولید بست. لذا این باور از جهات زیادی درست و

سنجیده حاکم بود که چنانچه اصل ۴۴ قانون اساسی که اساس ایجاد اقتصاد متمرکز دولتی می باشد، لغو و یا با استناد به موارد ذیل آن اصلاح شود و دست کم بخش خصوصی نیز از امکاناتی که برای ورود بخش دولتی به موارد صدر اصل مورد نظر وجود دارد، برخوردار گردد، بدون تردید چنین اقدامی نخستین گام یا سنگ بنای رفع مسایل و مشکلات فرا راه توسعه اقتصادی کشور خواهد بود که در هر حال همانگونه که اشاره شد، برداشتی درست و سنجیده است. البته با تاکید بر این راستینه انکار ناپذیر که از نقش در عمل منفی ذهنیت پرورش یافته و شکل گرفته در نظام اقتصاد بسته و متمرکز دولتی همچنان حاکم، بویژه در رده های میانی - البته بدون تعمیم ناروا به کل کارگزاران اداره امور اقتصادی کشور نباید غافل ماند؛ راستینه ای که بی تردید هم اکنون نیز با وجود صدور ابلاغیه مورد اشاره که یکبار عنوان شد، به هر شکلی که با آن برخورد شود، بعنوان نقطه عطفی در تاریخ تحولات اقتصادی کشور در طول ۲۷ سال گذشته به جا خواهد ماند، از عمده موانع فرا راه اجرای سیاست های کلی ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد.

و اما با توجه به اینکه راهکار اجرای بند "ج" سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون در گفتاری با عنوان راهکارهای کاربردی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پیش از این ارایه شده است، همانگونه که اشاره شد، در این گفتار فقط به بررسی برخی موانع و مشکلات فرا راه اجرای بند "الف" می پردازیم که منظور از آن شرح برخی موانع و الزامات ورود بخش خصوصی به موارد صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و به بیان دیگر، تشویق و تقویت بخش خصوصی و حرکت به سوی اقتصاد آزاد می باشد.

بنابراین باید توجه داشت که:

۱- دولت مکلف شده است تا پایان برنامه چهارم یعنی طی یک دوره پنج ساله کلیه موارد و تصدیگری های اقتصادی خود را که

خارج از موارد صدر اصل ۴۴ به آنها ورود پیدا کرده است به بخش غیردولتی واگذار کند.

۲- دولت از ورود به مواردی جز آنچه در صدر اصل ۴۴ آمده است، منع شده است، مگر به حکم قانون و به بیان روشنتر تصویب مجلس شورای اسلامی.

۳- در نهایت اینکه با لغو کلیه انحصارات دولتی ورود بخش خصوصی به کلیه موارد

**اقتصاد کشور با صدور
ابلاغیه مورد اشاره فرمان
وداع با اقتصاد متمرکز
دولتی و حرکت بسوی اقتصاد
آزاد را دریافت کرده است،
اما تردید نیست که اجرای
درست و سنجیده سیاست های
کلی ابلاغ شده ابزار ویژه
خود را طلب می کند.**

مندرج در اصل ۴۴ به استثنای استخراج نفت و گاز و رادیو تلویزیون آزاد اعلام شده است. نکته ای که در اینجا باز هم توجه بیشتری به آن ضرورت دارد، اینکه اقتصاد کشور با صدور ابلاغیه مورد اشاره فرمان وداع با اقتصاد متمرکز دولتی و حرکت بسوی اقتصاد آزاد را دریافت کرده است، اما تردید نیست که اجرای درست و سنجیده سیاست های کلی ابلاغ شده ابزار ویژه خود را طلب می کند که در ادبیات اقتصادی "برنامه گذار" از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد آزاد نامیده می شود؛ برنامه ای که مشتمل بر راهبرد اقتصادی - اجرایی منطبق با راهبرد سیاسی و الزامات مربوط می باشد و ما عملکرد متنوعی از آن را از تجربه های مربوط در دو دهه گذشته در اقتصادهای مشابه در اختیار داریم و لذا بهره گیری از نتایج به دست آمده

از آنها خالی از فایده نخواهد بود. و اما آنچه در اینجا در نظر است بعنوان موانع و مشکلات فرا راه اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به آن بپردازیم، نبود فضای مناسب و شرایط لازم و مورد نیاز است که از سوی دست اندرکاران و به طور کلی بخش خصوصی، "الزامات اجرای کار" عنوان می شود و در واقع همان فضای مناسب و شرایط یا ابزارهای مورد نیاز است که مورد اشاره قرار گرفت.

بنابراین، باید توجه داشت که منظور از ایجاد فضا یا فضای مناسب، پاکسازی جو نامناسب، و ناخوشایند و زیان آور نامناسبی است که با شعارهای ناپسند آمیزتری - از جمله: "هر که افزون شد سیم و زرش یا خودش دزد بوده یا پدرش" ایجاد شده است - و اعلام تقدس سرمایه که در واقع تبلور کار است و لذا بلا منازع و برخوردار از تقدس.

و اما منظور از شرایط مورد نیاز، در اختیار قراردادن ابزارهایی می باشد که برای ورود به کار مورد نیاز است. در اینجا ناگفته پیداست که قبل از هرگونه اقدامی در این زمینه، قطع ارتباط ذهنیت مخرب و جانبدار از اقتصاد متمرکز دولتی، بایستی در اندازه ممکن طی دوره کوتاه گذار و سپردن اداره امور اجرا به آنان که همواره بر این باور راستین بوده اند که اقتصاد متمرکز و بسته دولتی فقر آفرین، فسادآور و محکوم می باشد؛ اقدام گردد. راستینه ای که باید بعنوان اساس کار مقبول کارگزاران اداره امور اقتصادی کشور قرار گیرد و پس از آن ابزارهای مورد نیاز بخش خصوصی برای ورود به موارد صدر اصل ۴۴ که هر کدام به تنهایی متشکل از ده ها و صدها پروژه کلان خواهد بود، مهیا و بر اساس استراتژی یا راهبردی مشخص در چارچوب راهبرد توسعه اقتصادی منطبق با راهبرد سیاسی کشور در اختیار گذارده شود. از اینرو، اکنون بنا به وعده و با توجه به اینکه عمده موانع و مشکلات فراراه توسعه اقتصادی کشور که همانا فضا و شرایط نامناسب است، و برای ورود

بخش خصوصی به موارد صدر اصل ۴۴ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفت، تردید نیست که اکنون با صدور ابلاغیه سیاست های کلی اصل ۴۴ که اشاره شد به عنوان نقطه عطفی در تاریخ تحولات اقتصادی کشور بجا خواهد ماند، از میان برداشته شده است، بنابراین لازم است توجه داشته باشیم که مانع اصلی برطرف شده است، اما موانع اجرایی همچنان پا برجا می باشند و لذا بایستی به فوریت برطرف شوند، از آنجمله مقاومت کارگزاران رده میانی اجرایی - سیاسی بعنوان مانع اجرایی، نبود امکان دستیابی بخش خصوصی به منابع مالی بویژه منابع مالی خارجی برای تامین نیازهای مالی ورود بخش خصوصی به موارد صدر اصل ۴۴، روشن نبودن قیمت و هزینه ورودی - خروجی مواد مورد نیاز واحدهای تولیدی که بایستی از سوی دولت تعیین شود به ویژه در مورد نفت و گاز و به طور کلی پروژه های "انرژی بر" که در واقع کلیه پروژه های تولیدی بزرگ را در بر می گیرد و

اهم آنها مربوط به وزارتخانه های نفت و نیرو می شود و ... بنابراین، لازم می دانم برخی ابزارهای مورد نیاز برای رفع موانع و مشکلات اجرایی را در زیر فهرست وار نام ببرم:

* برخورد دولت با بخش خصوصی در مورد ورود این بخش به هر یک از موارد مندرج در صدر اصل ۴۴ همانند برخورد دولت با مجریان و مسوولان تصدیگری های اقتصادی دولتی صد البته با اخذ ضمانت های لازم و متعارف جهانی.

* فراهم سازی امکان دستیابی بخش خصوصی به منابع مالی خارجی برای تامین نیازهای مالی مورد نیاز به نحوی که دست کم پیش از این در سال های قبل از انقلاب و حاکمیت اقتصاد متمرکز دولتی فراهم بود و بخش خصوصی از امکانات لازم برای دستیابی به منابع مالی خارجی برخوردار بود.

* تعیین و تثبیت و اعلام قیمت مواد ورودی و خروجی واحدهای تولیدی برای دست کم یک دوره پنجساله به نحوی که

صاحبان سرمایه از توان تهیه و تدوین گزارش های "توصیه اقتصادی" یا برنامه عملیاتی سرمایه گذاری و بهره برداری بر اساس معیارهای علمی برخوردار باشند.

* منع دولت از ورود به مواردی از سرمایه گذاری که بخش خصوصی با همان شرایط مهیا برای مجریان دولتی آمادگی انجام کار را دارا می باشند و محققاً مجریانی به مراتب غیر قابل قیاس تر از مجریان دولتی خواهند بود.

* اقدام سریع در مورد جلوگیری از اتلاف منابع ثروتی با پذیرش متمایز بودن درآمد از سرمایه و پرداخت نامعقول یارانه و به طور کلی، نظام یارانه پردازی، اصلاح برخی سیاست های پولی، مالی، گمرکی، کار و تامین اجتماعی و در نهایت، زیست محیطی و صادراتی و کاهش هزینه های مترتب بر آنها و موارد همانند با تاکید بر اینکه بی توجهی به هر یک از موارد مذکور بی تردید مانع از دستیابی به هدف خواهد بود. □

تعرفه جدید خدمات تبلیغاتی نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

* با توجه به افزایش چشمگیر تیراژ (شمارگان) نشریه و توزیع دقیق و سراسری آن میان شرکتها، اعضای محترم اتاق و مراکز رسمی مربوطه، تعرفه جدید خدمات به شرح زیر اعلام می گردد:

| محل چاپ آگهی | نامه اتاق بازرگانی (فارسی) قطع نشریه: ۲۱×۲۷/۵ - اندازه مطلب: ۱۷×۲۳/۵ | توضیحات |
|---|--|--|
| آگهی های رنگی: صفحه پشت جلد صفحه داخل جلد صفحه روبروی شناسنامه صفحه اول و صفحه آخر چهار رنگ صفحه وسط صفحات داخلی | ۱,۴۰۰,۰۰۰ تومان ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ هزار تومان ۸۵۰ هزار تومان ۶۰۰ هزار تومان ۵۰۰ هزار تومان ۴۵۰ هزار تومان | - فیش واریز وجه نقد به حساب بانکی ۱۰۱۱۰ بانک ملت، شعبه شرکت نفت، خیابان طالقانی، تهران، یا چک هزینه چاپ آگهی دروجه «اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران» همزمان با پذیرش سفارش چاپ آگهی دریافت می شود. - هزینه انجام سفارش چاپ آگهی از اشخاص حقوقی و حقیقی خارجی به دلار دریافت می شود. - اقامتگاه شرکت / موسسه، تعیین کننده خارجی یا داخلی بودن آن می باشد. - هزینه های طراحی، عکاسی و فیلم به عهده آگهی دهنده می باشد. - هر صفحه رنگی یا سیاه و سفید رپرتاژ آگهی با قیمت های فوق به اضافه هزینه تهیه متن و هزینه طراحی دریافت می شود. - توزیع جزوات تبلیغاتی همراه با نشریات، با توجه به ضخامت کاغذ یا مقوای آن و هزینه پستی مربوطه محاسبه و دریافت خواهد شد. |
| آگهی های تک رنگ: یک صفحه داخلی نیم صفحه داخلی ربع صفحه | ۲۵۰ هزار تومان ۱۷۰ هزار تومان ۱۲۰ هزار تومان | |